

چگونه میراث رهبر شهید را به یک برنامه عملی برای امت اسلامی تبدیل کنیم؟



هر سال در ایام میلاد پیامبر اعظم (ص)، جهان اسلام شاهد برگزاری یکی از مهم‌ترین رویدادهای فکری و سیاسی در حوزه تقریب مذاهب اسلامی است؛ کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی. این کنفرانس طی دهه‌های گذشته توانسته است جمعی از علما، اندیشمندان، نخبگان و شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی جهان اسلام را گرد هم آورد و مسئله وحدت امت اسلامی را در کانون گفت‌وگوهای بین‌المللی قرار دهد. با این حال، پرسش مهمی که امروز بیش از گذشته باید در برابر این رویداد قرار گیرد، این نیست که «وحدت اسلامی چرا اهمیت دارد؟» بلکه این است که چگونه می‌توان وحدت را از یک مفهوم گفتاری و یک مناسبت تقویمی به یک فرآیند واقعی، مستمر و قابل سنجش تبدیل کرد؟

چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی که در شهریورماه امسال با محوریت اندیشه‌ها و میراث رهبر شهید انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله شهید سیدعلی خامنه‌ای، برگزار خواهد شد، می‌تواند فرصتی برای پاسخ جدی به همین پرسش باشد. اهمیت این دوره صرفاً در انتخاب یک شخصیت به‌عنوان موضوع محوری کنفرانس نیست؛ اهمیت اصلی آن در این است که تجربه عملی چند دهه رهبری، مدیریت اختلافات، تعامل با مذاهب اسلامی و نگاه راهبردی رهبر شهید به وحدت، می‌تواند مبنایی برای بازتعریف «تقریب» در شرایط جدید جهان اسلام

قرار گیرد.

وحدت؛ از ارزش اخلاقی تا راهبرد قدرت

یکی از خطاهای رایج در ادبیات وحدت آن است که وحدت اسلامی صرفاً به عنوان یک فضیلت اخلاقی، توصیه دینی یا ضرورت اجتماعی مطرح شود. بی تردید وحدت دارای چنین ابعادی است، اما تجربه تحولات منطقه نشان می‌دهد که مسئله بسیار فراتر از اینهاست.

وحدت در جهان اسلام یک مؤلفه قدرت است؛ قدرتی که می‌تواند ظرفیت‌های پراکنده مسلمانان را به یک توان جمعی تبدیل کند. در مقابل، اختلافات مذهبی، قومی و سیاسی هنگامی که از سطح تفاوت طبیعی فراتر رفته و به نزاع اجتماعی تبدیل شوند، به یکی از مهم‌ترین عوامل فرسایش قدرت امت اسلامی تبدیل خواهند شد.

وحدت تنها برای ایجاد آرامش اجتماعی نیست، بلکه با اقتدار، ماندگاری، مقاومت و توان ایستادگی در برابر دشمن ارتباط مستقیم دارد. تجربه سیستان و بلوچستان نیز در همین چارچوب قابل تحلیل است؛ جامعه‌ای متکثر از نظر مذهبی، قومی و قبیله‌ای که می‌تواند به جای تبدیل شدن به نقطه آسیب‌پذیر، به سرمایه‌ای برای انسجام ملی و اسلامی تبدیل شود.

از این منظر، وحدت دیگر صرفاً یک «موضوع فرهنگی» نیست؛ بلکه بخشی از معماری امنیت، قدرت و آینده جهان اسلام است.

اندیشه وحدت رهبر شهید؛ الگویی فراتر از سخنرانی

اهمیت رهبر شهید در بحث وحدت را نمی‌توان صرفاً در تعداد سخنرانی‌ها، پیام‌ها یا مواضع ایشان جست‌وجو کرد. نقطه مهم‌تر، نسبت میان اندیشه و رفتار است.

چند مؤلفه از این رویکرد رهبری برجسته می‌شود: اخلاق کریمانه، مدارا، تعامل با گروه‌ها و جریان‌های مختلف، توجه به حقوق شهروندی اهل سنت، حمایت از رشد علمی و اقتصادی آنان و حساسیت نسبت به اهانت به علمای مذاهب.

این مجموعه نشان می‌دهد که در منطق رهبر شهید، تقریب صرفاً به معنای نزدیک کردن دیدگاه‌های کلامی مذاهب یا برگزاری نشست‌های علمی نبود؛ بلکه تقریب در سطح مدیریت اجتماعی نیز معنا پیدا می‌کرد.

وقتی از یک سو بر حفظ حرمت علمای اهل سنت تأکید می‌شود و از سوی دیگر بر فراهم شدن زمینه رشد علمی، اقتصادی و مدیریتی آنان تأکید می‌گردد، وحدت از سطح «گفتار درباره دیگری» عبور کرده و به «چگونگی رفتار با دیگری» تبدیل می‌شود.

این دقیقاً همان نقطه‌ای است که کنفرانس وحدت امروز می‌تواند از آن برای بازتعریف مأموریت خود بهره بگیرد.

مسئله امروز؛ عبور از «همایش» به «فرآیند»

اگر کنفرانس وحدت صرفاً در چند روز برگزار شود، سخنرانی‌ها انجام گیرد، مقالات ارائه شود و در پایان بیانیه‌ای صادر شود، بخش مهمی از ظرفیت آن بلااستفاده خواهد ماند.

کنفرانس وحدت باید بتواند پس از پایان کنفرانس نیز ادامه داشته باشد.

به بیان دیگر، هر دوره کنفرانس باید نه نقطه پایان، بلکه نقطه آغاز یک «چرخه اقدام تقریبی» باشد؛ چرخه‌ای که از مسئله‌شناسی آغاز شود، در کنفرانس به گفت‌وگو و طراحی راه‌حل برسد و پس از کنفرانس در قالب پروژه‌های مشخص ادامه پیدا کند.

بر این اساس، می‌توان برای چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی یک تغییر رویکرد اساسی پیشنهاد کرد:

از «کنفرانس درباره وحدت» به «کنفرانس برای تولید اقدام وحدت».

این تغییر کوچک در عبارت، اما بسیار بزرگ در منطق حکمرانی فرهنگی و تقریبی است.

کنفرانس چگونه می‌تواند عملیاتی شود؟

نخستین گام، تبدیل موضوعات کلی به مسائل مشخص جهان اسلام است. به جای اینکه صرفاً درباره ضرورت

وحدت سخن گفته شود، باید مشخص شود جهان اسلام در چه نقاطی با مسئله تفرقه مواجه است و برای هر مسئله چه راه حل عملی می توان ارائه کرد.

برای نمونه، می توان چند محور عملیاتی را در دستور کار قرار داد:

۱. شبکه علمای تقریبی

کنفرانس نباید صرفاً محل دیدار سالانه علما باشد؛ بلکه باید یک شبکه پایدار از علمای شیعه و اهل سنت ایجاد کند که در طول سال نیز ارتباط، تبادل نظر و همکاری مشترک داشته باشند. چنین شبکه ای می تواند در زمان بروز بحران های مذهبی، قومی و سیاسی، نقش «سامانه پیشگیری و مدیریت تنش» را ایفا کند.

۲. نظام رصد و مقابله با تنش های مذهبی

امروز بخش مهمی از اختلافات مذهبی در فضای مجازی تولید و بازتولید می شود. بنابراین تقریب نمی تواند صرفاً در فضای سنتی فعالیت کند.

ایجاد یک نظام رصد مشترک برای شناسایی روندهای نفرت پراکنی مذهبی، شایعات، تحریفات، تحریکات قومی و محتوای ضدتقریبی می تواند یکی از خروجی های عملی کنفرانس باشد.

۳. دیپلماسی نخبگانی میان مذاهب

دانشگاه ها، حوزه های علمیه، مراکز پژوهشی و نهادهای علمی شیعه و اهل سنت باید از طریق پروژه های مشترک به یکدیگر متصل شوند. تولید دانش مشترک، برگزاری دوره های آموزشی، تبادل استاد و پژوهشگر و انتشار آثار مشترک، وحدت را از حوزه شعار به حوزه تولید معرفت منتقل می کند.

۴. منشور رفتار تقریبی

یکی از نیازهای جدی جهان اسلام، تبدیل اصول کلی وحدت به مجموعه ای از قواعد روشن رفتاری است.

حفظ حرمت مقدسات و شخصیت‌های مذاهب، پرهیز از ادبیات تحقیرآمیز، خودداری از تحریک اختلافات تاریخی، مدیریت مسئولانه منبر و رسانه و مقابله با توهین به علمای مذاهب می‌تواند در قالب یک «منشور رفتار تقریبی» تدوین و با مشارکت علمای مذاهب به تصویب برسد.

تجربه‌ای که در محتوای مربوط به رهبر شهید درباره واکنش سریع به اهانت به یکی از علمای اهل سنت نقل شده، نشان می‌دهد که صیانت از حرمت شخصیت‌های مذهبی را می‌توان یکی از شاخص‌های عملی وحدت دانست؛ نه صرفاً یک توصیه اخلاقی.

۵. عدالت و توسعه به مثابه زیرساخت تقریب

یکی از مهم‌ترین نکات در تجربه مدیریتی رهبر شهید، توجه به رشد همه‌جانبه اهل سنت است. این نکته بسیار فراتر از یک موضع نمادین است.

اگر وحدت قرار است در جامعه نهادینه شود، باید مردم مذاهب مختلف آن را در زندگی واقعی خود تجربه کنند؛ در آموزش، اقتصاد، مدیریت، فرصت‌های اجتماعی، مشارکت عمومی و حقوق شهروندی.

بنابراین، تقریب صرفاً با تولید محتوای تقریبی محقق نمی‌شود؛ بلکه به عدالت، فرصت برابر و مشارکت واقعی نیز نیاز دارد.

میراث رهبر شهید؛ از «شخصیت» به «مکتب»

یکی از آسیب‌های احتمالی برگزاری کنفرانس‌هایی که به شخصیت‌های بزرگ اختصاص پیدا می‌کنند، تبدیل شدن موضوع به مجموعه‌ای از خاطرات، تجلیل‌ها و سخنرانی‌های توصیفی است.

در حالی که اگر قرار است چهلمین کنفرانس وحدت با محوریت رهبر شهید برگزار شود، باید از «شخصیت» عبور کرده و به «مکتب و الگو» رسید.

پرسش اصلی نباید صرفاً این باشد که رهبر شهید درباره وحدت چه گفته است؛ بلکه باید پرسید:

او چگونه وحدت را در مدیریت جامعه به عمل تبدیل کرد؟

چگونه با مخالفان و منتقدان برخورد می‌کرد؟

چگونه میان گروه‌های اجتماعی متفاوت تعامل ایجاد می‌کرد؟

چگونه حقوق و کرامت اهل‌سنت را مورد توجه قرار می‌داد؟

چگونه از تبدیل اختلافات مذهبی به بحران اجتماعی جلوگیری می‌کرد؟

و چگونه وحدت را به مؤلفه‌ای از قدرت و امنیت ملی و اسلامی تبدیل می‌کرد؟

پاسخ به این پرسش‌هاست که می‌تواند از مجموعه سخنان و خاطرات، یک الگوی قابل استفاده برای امروز استخراج کند.

کنفرانس وحدت باید «خروجی» داشته باشد

یکی از شاخص‌های ارزیابی موفقیت یک کنفرانس، تعداد سخنرانان، کشورهای شرکت‌کننده یا مقالات ارائه‌شده نیست؛ بلکه باید پرسید:

بعد از پایان کنفرانس چه چیزی تغییر کرد؟

اگر کنفرانس بتواند چند پروژه مشخص تقریبی را آغاز کند، چند شبکه علمی و اجتماعی پایدار ایجاد کند، چند مسئله واقعی را شناسایی و برای آنها راهکار ارائه دهد، چند همکاری مشترک میان مراکز شیعه و اهل‌سنت شکل دهد و سازوکاری برای پیگیری مصوبات خود ایجاد کند، آنگاه می‌توان گفت کنفرانس از یک رویداد به یک نهاد اثرگذار تبدیل شده است.

بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود هر دوره کنفرانس دارای یک «نقشه اقدام تقریبی» باشد؛ نقشه‌ای با اهداف مشخص، مسئول مشخص، زمان‌بندی مشخص، شاخص ارزیابی و گزارش عملکرد.

در این صورت، کنفرانس وحدت می‌تواند از چرخه «برگزاری – سخنرانی – بیانیه – پایان» خارج شود و به چرخه‌ای جدید برسد:

مسئله‌شناسی ← گفت‌وگو ← طراحی راه‌حل ← تصویب پروژه ← اجرا ← ارزیابی ← گزارش عمومی

این همان نقطه‌ای است که «وحدت» را به یک سیاست عمومی و یک فرآیند اجتماعی تبدیل می‌کند.

از سیستان و بلوچستان تا جهان اسلام

تجربه سیستان و بلوچستان در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. این منطقه نشان می‌دهد که تنوع مذهبی و قومی الزاماً به معنای شکاف و منازعه نیست. اگر سیاستگذاری بر مبنای احترام، عدالت، مشارکت، تعامل و حفظ کرامت انسان‌ها شکل گیرد، همین تنوع می‌تواند به سرمایه اجتماعی تبدیل شود.

این تجربه را می‌توان در سطح جهان اسلام نیز بازخوانی کرد.

جهان اسلام یک پیکره یکدست نیست؛ مجموعه‌ای از مذاهب، قومیت‌ها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها و سنت‌های تاریخی گوناگون است. بنابراین، وحدت اسلامی نباید به معنای حذف تفاوت‌ها تعریف شود. وحدت پایدار، وحدتی است که تفاوت‌ها را مدیریت و آنها را در یک افق مشترک گرد هم آورد.

این شاید یکی از مهم‌ترین درس‌هایی باشد که از تجربه رهبر شهید می‌توان برای آینده تقریب استخراج کرد؛ وحدت نه با انکار تفاوت، بلکه با مدیریت هوشمندانه تفاوت‌ها در چارچوب منافع و ارزش‌های مشترک شکل می‌گیرد.

چهلمین کنفرانس؛ فرصتی برای یک نقطه عطف

چهلمین دوره کنفرانس وحدت اسلامی می‌تواند صرفاً یکی دیگر از دوره‌های این رویداد نباشد. این دوره ظرفیت آن را دارد که یک نقطه عطف در تاریخ نهاد تقریب باشد؛ به شرط آنکه محوریت رهبر شهید صرفاً به موضوعی برای سخنرانی و تجلیل محدود نشود.

اگر اندیشه‌های رهبر شهید درباره اخلاق، مدارا، تعامل، عدالت، کرامت مذاهب، مدیریت اختلاف و پیوند وحدت با قدرت و مقاومت، به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی تبدیل شود، آن‌گاه کنفرانس می‌تواند ادعا کند که از میراث فکری او برای ساختن آینده استفاده کرده است.

در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که حتی مهم‌ترین اندیشه‌ها نیز در چرخه همایش‌ها و سخنرانی‌ها باقی بمانند.

امروز جهان اسلام بیش از آنکه به تولید دوباره ادبیات درباره ضرورت وحدت نیاز داشته باشد، به سازوکارهای تحقق وحدت نیازمند است؛ به شبکه‌هایی که بحران‌ها را پیش از تبدیل شدن به نزاع مدیریت کنند، به علمایی که در کنار یکدیگر مرجع اعتماد عمومی باشند، به رسانه‌هایی که به جای تحریک احساسات مذهبی به تقویت همزیستی کمک کنند، به مراکز علمی که دانش مشترک تولید کنند و به سیاست‌هایی که عدالت و مشارکت را به واقعیت اجتماعی تبدیل نمایند.

از این منظر، بزرگ‌ترین ادای احترام به رهبر شهید، تکرار سخنان او درباره وحدت نیست؛ بلکه ادامه دادن منطق عملی او در ساختن جامعه‌ای است که در آن اختلاف مذهبی به دشمنی تبدیل نشود.

چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی می‌تواند آغاز چنین مرحله‌ای باشد؛ مرحله‌ای که در آن «وحدت» نه فقط یک موضوع برای گفت‌وگو، بلکه یک پروژه برای اقدام باشد.

و شاید بتوان مأثوریت آینده کنفرانس را در یک جمله خلاصه کرد:

کنفرانس وحدت باید از محل گفت‌وگوی درباره وحدت، به مرکز طراحی و پیگیری اقدامات وحدت‌آفرین در جهان اسلام تبدیل شود.

این همان مسیری است که می‌تواند میراث رهبر شهید را از حافظه تاریخی به سرمایه راهبردی آینده جهان اسلام تبدیل کند.

امید علی پور

سردبیر سایت های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی